رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۱۸، فروردین ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(1), 2026

پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق

Predicting of desire for divorce based on cognitive flexibility with mediation of distress tolerance in women applicant divorce

زهرا ارجمندکیا
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
عابد مجیدی (نویسنده مسئول)
استادیار مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، اسدآباد، همدان، ایران.

Zahra Arjomandkia
M.A. Student of Clinical Psychology, Ar.c., Islamic Azad Univrsity, Arak, Iran.
Abed Majidi *
Assistant Professor of Counseling, Faculty of Humanities, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Hamedan, Iran.
Abed.majidi@sjau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق انجام شد. روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اراک در بهار سال ۱۴۰۴ بود که از بین آنها ۲۵۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های میل به طلاق روزبولت و همکاران (۱۹۸۶، DTS)، تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵، DTS) و انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و واندروال (۲۰۱۰، CFI) جمع‌آوری گردید. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند. بر اساس یافته‌های پژوهش مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار بود. نتایج نشان داد که بین انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی با میل به طلاق رابطه منفی و معناداری وجود دارد (P<۰/۰۱). همچنین مشخص گردید تحمل پریشانی در ارتباط بین انعطاف‌پذیری شناختی و میل به طلاق نقش واسطه‌ای داشت (P<۰/۰۱). بنابراین پیشنهاد می‌شود در اجرای برنامه‌های پیشگیری از طلاق به بررسی و ارزیابی انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: *انعطاف‌پذیری شناختی، تحمل پریشانی، میل به طلاق، متقاضی طلاق.*

Abstract

The present study aimed to predict the desire for divorce based on cognitive flexibility mediated by distress tolerance in women applicant divorce. The present study method was descriptive-correlational structural equation modeling. The statistical population included women applicant divorce referring to counseling centers in Arak in the spring of 2025, from which 250 people were selected as samples using purposive sampling. Data were collected using Rusbult et al's Divorce Tendency Scale (DTS, 1986), Simons & Gaher's Distress Tolerance Scale (DTS, 2005), and Dennis & Vander Wal's Cognitive Flexibility Inventory (CFI, 2010). The obtained data were analyzed using structural equation modeling. Based on the research findings, the proposed model had a good fit. The results showed that there is a negative and significant relationship between cognitive flexibility and distress tolerance with the desire for divorce (P<0.01). It was also determined that distress tolerance has a mediating role in the relationship between cognitive flexibility and the desire for divorce (P<0.01). Therefore, it is suggested that cognitive flexibility and distress tolerance be examined and evaluated in the implementation of divorce prevention programs.

Keywords: *Cognitive Flexibility, Distress Tolerance, Desire for Divorce, Divorce Applicant.*

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت: مهر ۱۴۰۴** | **پذیرش: مهر ۱۴۰۴** | **ویرایش نهایی: فروردین ۱۴۰۵**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

مقدمه

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است و از ارکان اصلی جامعه محسوب می‌شود (خوشبخت و همکاران، ۱۴۰۳). یکی از عوامل منفی و مؤثر بر سلامت نهاد خانواده، طلاق است (دانگ[1] و همکاران، ۲۰۲۳). طلاق را می‌توان شیوه‌ای نهادی شده و تحت نظارت سازمان‌های اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست (فیروزجائیان گلوگاه و همکاران، ۱۳۹۷). سازمان ثبت‌احوال ایران آمار طلاق در سال ۱۳۹۹ را ۱۷۱,۲۴۶ ثبت کرده است. همچنین طبق آمار رسمی در ایران، از هر هزار ازدواج حدود دویست ازدواج به طلاق منجر می‌شود و ایران چهارمین کشور جهان از نظر نسبت طلاق به ازدواج معرفی شده است (پاداش و همکاران، ۱۳۹۹). قبل از طلاق، میل به آن در فرد رخ می‌دهد. نگرش به طلاق عبارت است از میزان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی (قربانی و همکاران، ۱۴۰۳). این پدیده دارای جنبه‌های متفاوتی است؛ نخست آنکه یک پدیده روانی بوده و بر تعادل روانی نه‌تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان و نزدیکان آنها اثر می‌گذارد (کاکلیان و همکاران، ۱۴۰۲). دوم، پدیده‌ای اقتصادی است، چراکه به گسست خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی می‌انجامد، و یک پدیده اجتماعی است؛ به این معنا که علل و زمینه‌های اجتماعی موجود و ساختار جامعه می‌تواند سبب از هم گسستگی خانواده شود (محمودزاده مرقی و همکاران، ۱۴۰۰). تحقیقات نشان داده است که در مقایسه با بزرگسالانی که طلاق نگرفته‌اند، افراد مطلقه بیشتر به خدمات مراقبت‌های اولیه نیاز دارند و معمولاً مشکلات و شکایاتی را در مورد سلامت روانی و جسمی خود گزارش می‌دهند که به هم مرتبط هستند. بر این اساس، طلاق با هزینه‌های قابل توجه بهداشتی و اجتماعی مرتبط دانسته شده است (پلون-الکسپورو[2] و همکاران، ۲۰۲۴). در این بین، زنان در مقایسه با مردان، سطوح بیشتری از سردرگمی و افسردگی، تنهایی، کسالت، استرس و ناامنی را نشان می‌دهند (ساریکول[3] و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین بررسی عوامل مؤثر بر میل به طلاق در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر میل به طلاق، انعطاف‌پذیری شناختی[4] است (تنهایی نوغابی و همکاران، ۱۴۰۰). انعطاف‌پذیری شناختی توانایی جابجایی بین چندین وظیفه یا مجموعه‌های ذهنی (تغییر مجموعه)، انجام یک سری وظایف به‌صورت متوالی با متوقف کردن وظیفه فعلی و رفتن به وظیفه بعدی (تغییر وظیفه)، تغییر دیدگاه‌ها با فعال کردن یا مهار گزینه‌های مختلف، و حل مشکلات پیچیده است. همچنین شامل تفکر خلاق، برنامه‌ریزی عملی، انجام چند کار هم‌زمان، دسته‌بندی و استفاده انعطاف‌پذیر از زبان می‌شود (کوربو[5] و همکاران، ۲۰۲۴). انعطاف‌پذیری شناختی فرد را قادر می‌سازد که در برابر فشارها، چالش‌ها و سایر مسائل عاطفی و اجتماعی برخورد مناسب و کارآمد داشته باشد. این توانایی به افراد اجازه می‌دهد تا به سرعت با موقعیت‌های جدید سازگار شوند، دیدگاه‌های متفاوتی را اتخاذ کنند و با موقعیت‌های چالش‌برانگیز یا پیچیده کنار بیایند. همچنین به افراد این امکان را می‌دهد که با ایجاد تعادل بهتر هنگام مقابله با موقعیت‌های استرس‌زا و عدم قطعیت، به نتایج موفقیت‌آمیزی در زندگی شخصی خود دست یابند (ایشیک و تورهان[6]، ۲۰۲۵). نتایج پژوهش خزائی و بابایی (۲۰۲۲) نشان داد که بین میل به طلاق با انعطاف‌پذیری شناختی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. وطن خواه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که طلاق عاطفی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی پیش‌بینی می‌شود. همچنین تنهایی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که انعطاف‌پذیری شناختی با گرایش به طلاق رابطه منفی دارد.

با توجه به آنچه در خصوص رابطه و تأثیر انعطاف‌پذیری شناختی بر میل به طلاق بیان شد، این سؤال به ذهن می‌رسد که چه مکانیزم‌هایی می‌تواند در تداوم یا تعدیل تأثیرات این متغیر، نقش مهم و کلیدی به‌عنوان واسطه‌ای داشته باشد که باید مورد بررسی قرار بگیرد؟ در این راستا پژوهش‌ها مؤید اثرگذاری متغیر تحمل پریشانی (احمدی کانی گلزار و همکاران، ۱۴۰۲) است. تحمل پریشانی به‌عنوان توانایی فرد در تحمل حالات عاطفی منفی و/یا ناراحت‌کننده تعریف می‌شود (لاس[7] و همکاران، ۲۰۲۳). این شامل انتظارات و ارزیابی‌های فرد از تجربه حالات عاطفی منفی در چهار حوزه است: (۱) تحمل و تنفر، (۲) ارزیابی و مقبولیت، (۳) تمایل به جذب توجه و اختلال در عملکرد، و (۴) تنظیم احساسات (گارنر و کلیمان[8]، ۲۰۲۵). در موارد حساس، اگر زوجین نتوانند هیجان منفی خود را کاهش دهند، تمام

1. Dong
2. Pellón-Elexpuru
3. Sarikol
4. Cognitive flexibility
5. Corbo
6. Işık & Turhan
7. Lass
8. Garner & Kleiman

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

توجه آنها به موضوع یا احساس نگران‌کننده جلب می‌شود و عملکرد آنها به‌طور قابل‌توجهی کاهش می‌یابد (ساندل فرناندز[1] و همکاران، ۲۰۲۲). علاوه بر نقش تحمل پریشانی در زندگی زناشویی، تحمل پریشانی یکی از توانایی‌ها و مهارت‌هایی است که می‌تواند به زوجین در افزایش سازگاری و حل مشکلات کمک کند (زراخ و گوردون-شالی[2]، ۲۰۲۳). نتیجه پژوهش رئوف[3] و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد رابطه منفی و معنی‌داری بین تحمل پریشانی و رضایت زناشویی وجود دارد. اسماعیل نژاد و مزرعه (۱۴۰۴) نشان دادند که تحمل پریشانی و انعطاف‌پذیری شناختی باهم رابطه دارند. ارشدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود عدم تحمل پریشانی را یک عامل مهم در شدت تعارضات زناشویی معرفی کردند. محمودپور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تحمل پریشانی بر گرایش به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم دارد. رضاپورمیرصالح و اسماعیل بیگی (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که متغیر انعطاف‌پذیری شناختی علاوه بر اینکه می‌تواند به‌طور مستقیم بر تحمل پریشانی تأثیر بگذارد، می‌تواند با اثرگذاری بر جهت‌گیری منفی به مشکل، تحمل پریشانی افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

در مجموع، طلاق نه‌تنها بر زندگی فردی و روانی زنان تأثیر می‌گذارد، بلکه آثار اجتماعی و خانوادگی گسترده‌ای نیز به همراه دارد. درک عوامل روان‌شناختی مؤثر بر میل به طلاق، به‌ویژه انعطاف‌پذیری شناختی که توانایی فرد در پذیرش تجربه‌های دشوار و ادامه عملکرد سازگارانه در شرایط پراسترس را نشان می‌دهد، می‌تواند به طراحی مداخلات پیشگیرانه و مشاوره‌ای هدفمند کمک کند. علاوه بر این، نقش میانجی‌گری تحمل پریشانی، که ظرفیت فرد برای مدیریت هیجانات منفی و فشارهای روانی را نشان می‌دهد، می‌تواند مسیرهای اثرگذاری انعطاف‌پذیری شناختی بر تصمیم به طلاق را روشن سازد. بررسی این روابط، علاوه بر افزایش فهم علمی از فرآیندهای شناختی مرتبط با تصمیمات زناشویی، امکان ارائه راهکارهای درمانی و آموزشی برای کاهش تنش‌های روانی و بهبود کیفیت زندگی زنان متقاضی طلاق را فراهم می‌آورد. با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق انجام پذیرفت.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در بهار ۱۴۰۴ در شهر اراک بود. حداقل حجم نمونه لازم برای گردآوری داده‌های مربوط برای مدل‌یابی معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر می‌باشد (کلاین[4]، ۲۰۱۱). با محاسبه بیش‌برآورد به دلیل پیش‌بینی ریزش شرکت‌کنندگان، نهایتاً ۲۵۰ نفر با استفاده از روش هدفمند انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش شامل: جنسیت زن، زنان باید در مرحله‌ای از فرآیند قانونی طلاق باشند یا در شُرف اقدام برای آن باشند، حداقل یک سال زندگی مشترک، رضایت آگاهانه و ملاک‌های خروج شامل مخدوش بودن پرسشنامه‌ها و عدم تمایل شرکت‌کننده به ادامه‌ی شرکت در پژوهش بود. اجرای پژوهش پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذی‌صلاح و هماهنگی با یکی از مراکز مشاوره شهر اراک در بهار ۱۴۰۴ انجام شد. ابتدا پژوهشگر با حضور در مراکز مشاوره و توضیح هدف کلی پژوهش، از زنان متقاضی طلاق که واجد ملاک‌های ورود بودند دعوت به همکاری کرد. پس از جلب رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌ها به‌صورت حضوری و در محیطی آرام و امن در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. پژوهشگر پیش از اجرای پرسشنامه‌ها، دستورالعمل مربوط به پاسخ‌دهی را به‌صورت شفاهی توضیح داد و تأکید کرد که پاسخ‌ها بدون قضاوت و صرفاً برای اهداف علمی مورد استفاده قرار می‌گیرند. زمان لازم برای تکمیل ابزارها حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه بود و در طول فرایند، پژوهشگر در محل حضور داشت تا در صورت بروز ابهام، توضیحات لازم را ارائه دهد. داده‌ها پس از جمع‌آوری، بررسی و کدگذاری شدند و پرسشنامه‌های ناقص یا مخدوش از تحلیل نهایی حذف گردیدند.در تمام مراحل انجام پژوهش، ملاحظات اخلاقی به‌دقت رعایت شد. شرکت در مطالعه کاملاً داوطلبانه بود و هیچ‌گونه اجبار یا پاداشی برای مشارکت وجود نداشت. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی آنان محرمانه باقی می‌ماند و نتایج صرفاً به‌صورت کلی و گروهی گزارش خواهد شد. همچنین، برای حفظ حقوق روانی مشارکت‌کنندگان، در صورت بروز ناراحتی هیجانی هنگام پاسخ‌گویی، فرد می‌توانست در هر مرحله از ادامه همکاری انصراف دهد. رعایت اصول اخلاق در پژوهش مطابق با دستورالعمل‌های انجمن روان‌شناسی ایران صورت گرفت.

1. Sandel-Fernandez
2. Zerach & Gordon-Shalev
3. Rauf
4. Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

درنهایت، داده‌های پژوهش با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار سنجش

مقیاس میل به طلاق (DTS) [1]: این مقیاس در سال ۱۹۸۶ توسط روزبولت[2] و همکاران طراحی شده و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این مقیاس یک ابزار ۲۸ گویه‌ای برای ارزیابی زوجین مستعد طلاق است، که دارای ۴ بعد بوده و هر بعد ۷ سؤال را دربر می‌گیرد. ۷ سؤال برای بعد خارج شدن؛ ۷ سؤال برای بعد ابراز؛ ۷ سؤال برای بعد وفاداری؛ و ۷ سؤال برای بعد مسامحه می‌باشد. شیوه نمره‌گذاری بر اساس طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای (۱= هرگز تا ۷= همیشه) می‌باشد. پایایی پرسشنامه در پژوهش روزبولت و همکاران (۱۹۸۶) به روش آلفای کرونباخ برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز (۰/۷۶)، بعد وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) به دست آمد. همچنین روایی همگرا و تمیزی پرسشنامه از طریق بررسی همبستگی بین نمرات حاصل از این پرسشنامه با درجه‌بندی دومقوله‌ای و چندمقوله‌ای با فاصله زمانی بررسی شده است. بر اساس شواهد ارائه‌شده، بین نمرات حاصل از پرسشنامه با درجه‌بندی با فاصله زمانی در حوزه میل به طلاق بین ۰/۱۸- تا ۰/۲۵+ در نوسان گزارش شده است. در پژوهش داودی و همکاران (۱۳۹۴) روایی محتوایی پرسشنامه مذکور توسط پنج نفر از متخصصین روانشناسی و مشاوره بررسی و مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ گزارش شد. همسانی درونی خرده مقیاس‌ها نیز برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۸۹)، بعد ابراز (۰/۹۰)، بعد وفاداری (۰/۸۶) و بعد مسامحه (۰/۷۲) به دست آمد. در این پژوهش کرونباخ برای مؤلفه تمایل به طلاق ۰/۸۰ و برای مؤلفه تمایل به مسامحه ۰/۸۸ و مقیاس کل ۰/۹۲ محاسبه شد.

مقیاس تحمل پریشانی (DTS) [3]: یک شاخص خودسنجی تحمل پریشانی هیجانی است که توسط سیمونز و گاهر[4] (۲۰۰۵) تهیه شده است. این مقیاس دارای ۱۵ گویه است. پاسخگویی به گویه‌های مقیاس به‌صورت پنج گزینه‌ای طیف لیکرت (کاملاً موافق= ۱ تا کاملاً مخالف= ۵) درجه‌بندی شده است. در این مقیاس، نمره بالا نشانگر تحمل پریشانی بالاست. سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) روایی هم‌زمان مقیاس را با مقیاس پریشانی عاطفی برابر با ۰/۵۹- و ضرایب آلفای کل مقیاس را ۰/۸۲ گزارش کردند. همچنین ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌آزمون‌های تحمل، ارزیابی، جذب و تنظیم را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۶، ۰/۷۴ و ۰/۸۷ به دست آوردند (سیمونز و گاهر، ۲۰۰۵). شمس و همکاران (۱۳۸۹) شاخص همسانی درونی و ضرایب همبستگی مقیاس را با مقابله مسأله‌مدار و هیجان‌مدار به ترتیب ۰/۲۱ و ۰/۲۲- به‌عنوان روایی همگرا گزارش نموده‌اند. همچنین آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۷ و پایایی بازآزمایی آن را در بازه زمانی دوماهه ۰/۷۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و ۰/۷۳ به دست آمد.

سیاهه انعطاف‌پذیری شناختی (CFI)[5]: این سیاهه توسط دنیس و واندروال[6] در سال ۲۰۱۰ ساخته شده است. مقیاس با ۲۰ عبارت برای سنجش نوعی از انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، مقیاس انعطاف‌پذیری به کار می‌رود. شیوه نمره‌گذاری آن بر اساس یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت (از ۱=کاملاً مخالفم تا ۷=کاملاً موافقم) می‌باشد. بالاترین نمره‌ای که فرد در مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند کسب نماید ۱۴۰ و پایین‌ترین نمره ۲۰ می‌باشد. نمره بالاتر نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر و نمره پایین و نزدیک به ۲۰ نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری شناختی پایین می‌باشد. این ابزار ۲ زیرمقیاس پردازش حل مسئله و ادراک کنترل‌پذیری را اندازه‌گیری می‌کند (کهندانی و ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۶). در پژوهش دنیس و واندروال (۲۰۱۰) روایی هم‌زمان مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی با سیاهه افسردگی بک در ۵۳۰ دانشجوی آمریکایی برابر ۰/۳۹- و روایی همگرایی آن را با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی ۰/۷۵ بود. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در نمونه فوق، ۰/۹۰ گزارش شده است (دنیس و واندروال، ۲۰۱۰). در پژوهش کهندانی و ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۶) روایی و پایایی این مقیاس در بین کارکنان وظیفه در پدافند هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفت. همسانی درونی نمره کل این پرسشنامه و دو عامل آن یعنی پردازش حل مسئله، و ادراک کنترل‌پذیری به ترتیب معادل ۰/۸۹ و ۰/۷۷ و ۰/۸۱ به دست آمده است. نمره کل آزمون پرسشنامه

1. Divorce Tendency Scale
2. Rusbult
3. Distress Tolerance Scale
4. Simons & Gaher
5. Cognitive Flexibility Inventory
6. Dennis & Vander Wal

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

و دو عامل آن، رابطه معناداری با نمره کلی آزمون افسردگی بک داشت که به ترتیب معادل ۶۶/-۰، ۰/۵۷- و ۰/۵۹- بود. در پژوهش حاضر پایایی به رو همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بود.

یافته ها

یافته‌های به‌دست‌آمده بر اساس بررسی ویژگی جمعیت‌شناختی سن نشان داد که میانگین سنی در زنان گروه نمونه ۳۸/۴۳ و با انحراف معیار ۲/۶۹ در طیف سنی ۲۵ تا ۴۰ سال بود. در خصوص مدت تأهل هم میانگین ۱۱/۷۶ و انحراف معیار ۲/۴۴ در طیف سنوات ۱ تا ۲۰ سال بود. ۱۳۱ نفر (۵۲/۴ درصد) از نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، ۱۴ نفر(۵/۶ درصد) فوق‌دیپلم و ۶۶ نفر (۲۶/۴) لیسانس و ۶۳۹ نفر (/۱۵درصد) فوق‌لیسانس بودند.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳
۱. میل به طلاق	۱		
۲. انعطاف‌پذیری شناختی	-۰/۳۷**	۱	
۳. تحمل پریشانی	-۰/۴۶**	۰/۲۱*	۱
میانگین	۱۰۳/۱۶	۶۱/۸۳	۸۷/۷۱
انحراف معیار	۲۴/۶۹	۸/۵۹	۱۶/۶۴
چولگی	-۱/۰۲۶	-۱/۵۳۶	۰/۹۲۶
کشیدگی	۰/۳۸۴	۰/۴۰۹	-۱/۱۳۹

یافته‌های جدول ۱ ضرایب همبستگی متغیرها را با نمره میل به طلاق نشان می‌دهند. انعطاف‌پذیری شناختی ۰/۳۷- (p<۰۰۱۰، r=-۰/۳۷) و تحمل پریشانی ۰/۴۶- (p<۰/۰۰۱، r=-۰/۴۶)، با میل به طلاق رابطه معنی‌دار دارند. نتایج آزمون کالموگراف-اسمیرنف برای میل به طلاق (۰/۸۱۶)، انعطاف‌پذیری شناختی (۰/۹۲۴) و تحمل پریشانی (۱/۰۴) (p>۰/۰۵) گزارش شد. بنابراین توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. شاخص کجی و کشیدگی هیچ‌یک از متغیرها خارج از بازه (۲، ۲-) نیست و بنابراین می‌توان آنها را نرمال یا تقریب نرمال در نظر گرفت. قبل از انجام مدل‌یابی معادلات ساختاری، نرمال بودن متغیر ملاک (میل به طلاق)، استقلال خطاها و هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین مورد بررسی قرار گرفت. همچنین در پژوهش حاضر میزان دوربین واتسون برای متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی میل به طلاق (۱/۵۹)، حاکی از استقلال خطاها است. از طرفی عامل تورم واریانس در تمامی متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بود و عدم هم‌خطی تأیید شد. داده‌های گمشده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و قسمت آنالیز (داده‌های گمشده) شناسایی و اصلاح گردیدند. همچنین از نمودار جعبه‌ای برای شناسایی داده‌های پرت برای مقادیر تک‌متغیره و از شاخص ماهالاتوبیس برای مقادیر چندمتغیره استفاده شد. به‌منظور آزمون مدل موردنظر یعنی بررسی نقش واسطه‌گری تحمل پریشانی از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. پارامترهای اندازه‌گیری روابط مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

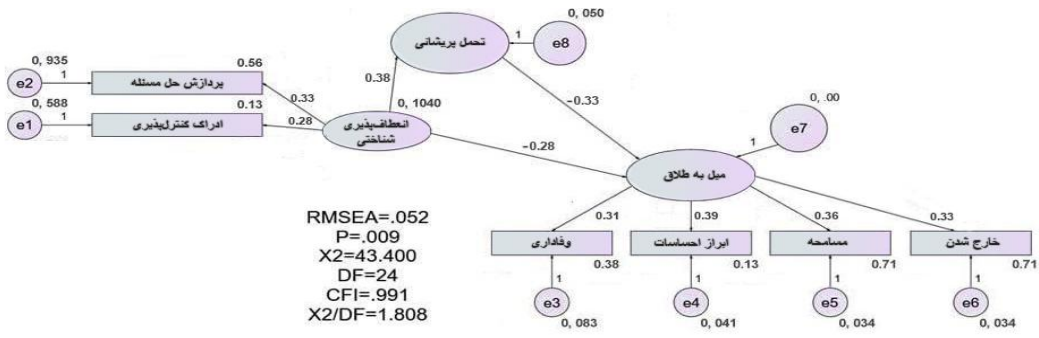

شکل ۱. مدل نهایی پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

در شکل ۱ مدل اصلاح‌شده پژوهش حاضر پس از حذف مسیرهای غیرمعنادار رسم شده است. بدین معنا که مسیرهایی که معنادار نبودند (p>۰/۰۰۱) اصلاح و حذف شدند. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم معنادار بین متغیرهای پژوهش با میل به طلاق در جدول ۲ و ۳ ذکر شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	C.R.	سطح معناداری
انعطاف‌پذیری شناختی	میل به طلاق	۰/۲۸	۰/۲۴	۳/۵۴	۰/۱۱۲	۳/۷۳۴	۰/۰۰۱
تحمل پریشانی	میل به طلاق	۰/۳۳	۰/۱۷	۵/۷۳	۰/۱۴۲	۴/۳۶۵	۰/۰۰۱
انعطاف‌پذیری شناختی	تحمل پریشانی	۰/۳۸	۰/۲۱	۶/۱۹	۰/۱۷۳	۴/۴۵۳	۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهایی مستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند و مسیرهای غیرمعنادار از مدل حذف شدند. با توجه به یافته‌های جدول، ضریب مسیر بین انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی و با میل به طلاق، مثبت و معنادار است (p<۰/۰۱).

جدول ۳. ضرایب مسیر غیرمستقیم اثرات متغیرها و معنی‌داری پارامترهای برآوردشده

متغیر پیش‌بین	میانجی	متغیر ملاک	ضرایب استاندارد	انحراف استاندارد	آماره (t)	S.E.	سطح معناداری
انعطاف‌پذیری شناختی	تحمل پریشانی	میل به طلاق	۰/۳۷	۰/۱۱	۵/۷۷	۰/۰۳۸	۰/۰۰۱

به‌منظور بررسی مسیرهای غیرمستقیم از بوت استروپ استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود تمام متغیرهایی که مسیرهای غیرمستقیم آن‌ها به متغیر ملاک دارای مقدار T بزرگ‌تر یا کوچک‌تر از ۱/۹۶± است تأثیر معنی‌داری (p<۰/۰۰۱) بر متغیر ملاک دارند. همچنین یافته‌ها نشان دادند هر دو ضریب غیرمستقیم معنی‌دار است به‌عبارت‌دیگر انعطاف‌پذیری شناختی با تأثیر بر تحمل پریشانی به‌طور غیرمستقیم بر میل به طلاق تأثیر گذاشت (p<۰/۰۱).

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل اصلاح‌شده

شاخص	R^2	X^2/d	RMSEA	CFI	NFI	IFI	GFI	P
مقادیر مدل اولیه	۰/۰۴	۲۶۵/۹۴	۰/۸۸	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۶۶	۰/۰۰۱
مقادیر مدل	۰/۴۷	۱/۸۰۸	۰/۰۵۲	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۰۷۹

در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل ارائه شده است. مقدار RMSEA کمتر از ۰/۰۸ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل مناسب و پذیرفتنی است. همچنین مقدار کای دو به درجه آزادی (۱/۸۰۸) بین یک و سه است و میزان شاخص‌های GFI، CFI، IFI و NFI نیز بزرگ‌تر از ۰/۹ برآورد شده و در محدوده پذیرفتنی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، مدل مذکور مبنای تحلیل‌های بعدی قرار گرفت. درنتیجه نتایج جدول ۴ نشان‌دهنده‌ی برازش عالی داده‌ها با مدل اصلاح‌شده است. با توجه به شکل ۱ و جدول ۲ انعطاف‌پذیری شناختی هم به‌صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق تحمل پریشانی توانست میل به طلاق را پیش‌بینی کنند.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میل به طلاق بر اساس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق شهر اراک انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. بود. این یافته با نتایج پژوهش خزائی و بابایی (۲۰۲۲)، وطن خواه و همکاران (۱۴۰۰)، و تنهایی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰) همسو و همخوان بود.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت این یافته که یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که انعطاف‌پذیری شناختی تأثیر مستقیم و معناداری بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق دارد. این نتیجه بیانگر آن است که هرچه زنان از سطح بالاتری از انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار باشند، در مواجهه با تعارضات زناشویی، بحران‌ها و ناکامی‌های ارتباطی، توانایی بیشتری برای بازسازی شناختی موقعیت‌ها، درک دیدگاه‌های متفاوت و یافتن راه‌حل‌های سازگارانه‌تر خواهند داشت (لوقیت و هولنستین[1]، ۲۰۱۶)، و درنتیجه، احتمال گرایش آن‌ها به طلاق کاهش می‌یابد. انعطاف‌پذیری شناختی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی تنظیم هیجان و حل مسئله، نقش محافظتی در برابر تصمیم‌گیری‌های هیجانی و شتاب‌زده در روابط زناشویی دارد. در واقع، افراد با انعطاف‌پذیری شناختی بالا قادرند مشکلات رابطه را به‌جای شکست قطعی، به‌صورت فرصت‌هایی برای رشد و تغییر درک کنند و از تفکر دوگانه‌نگر (همه یا هیچ) نسبت به رابطه بپرهیزند (وطن خواه و همکاران، ۱۴۰۰). از سوی دیگر، یافته حاضر از منظر نظری نیز با مدل‌های شناختی-هیجانی همخوانی دارد. نظریه بک (۲۰۱۱) و مدل‌های جدیدتر شناختی-اجتماعی تأکید دارند که انعطاف‌پذیری شناختی به فرد امکان می‌دهد تا از الگوهای تفکر منفی، تعمیم افراطی و باورهای ناکارآمد درباره ازدواج فاصله بگیرد و تفسیری واقع‌گرایانه‌تر از رفتار و نیت همسر ارائه دهد. از این منظر، پایین بودن انعطاف‌پذیری شناختی ممکن است باعث شود زنان در مواجهه با مشکلات زناشویی، به‌جای جست‌وجوی راه‌حل یا پذیرش متقابل، تنها گزینه‌ی ممکن را جدایی تلقی کنند (گاندوز[2]، ۲۰۱۳).

یافته‌های پژوهش نشان داد تحمل پریشانی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر مستقیم داشت. این یافته‌ها با نتایج رئوف و همکاران (۲۰۲۳)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰) و محمودپور و همکاران (۱۳۹۹) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت تحمل پریشانی پایین موجب می‌شود افراد در برابر استرس‌های هیجانی ناشی از ناکامی‌های ارتباطی، تعارضات، بی‌توجهی یا طرد هیجانی همسر، به‌جای استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم هیجان، واکنش‌های گریز، اجتناب یا تصمیم‌های هیجانی مانند جدایی را انتخاب کنند. (ارشدی و همکاران، ۱۴۰۰).از دیدگاه نظری، یافته‌ی حاضر با مدل تنظیم هیجان گراس (۲۰۱۵) و نظریه رفتارهای خودتخریب‌گرانه لینهان (۲۰۱۴) نیز هم‌راستاست. طبق این دیدگاه‌ها، تحمل پریشانی به‌عنوان بخشی از ظرفیت کلی تنظیم هیجان، توانایی فرد برای پذیرش و تحمل حالات هیجانی ناخوشایند بدون واکنش‌های تکانشی است. زنان دارای تحمل پریشانی بالا، حتی در شرایط ناکامی و فشار عاطفی، قادرند احساسات خود را شناسایی و مدیریت کنند و در نتیجه، تصمیمات خود را با منطق و ارزیابی واقع‌بینانه‌تری اتخاذ می‌کنند (محمودپور و همکاران، ۱۳۹۹). برعکس، زنان با تحمل پریشانی پایین تمایل دارند از موقعیت‌های ناخوشایند فرار کنند و طلاق را راهی فوری برای رهایی از فشار هیجانی درک نمایند. بنابراین، نتایج این پژوهش بر اهمیت تقویت مهارت تحمل پریشانی در برنامه‌های آموزشی و درمانی برای زنان در معرض طلاق تأکید دارد تا بتوانند با تعارضات زناشویی به‌صورت سازگارانه‌تر و با ثبات هیجانی بیشتری مواجه شوند (شاهین نیا و راه نجات، ۱۴۰۳).

یافته‌های نهایی پژوهش نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی با میانجی‌گری تحمل پریشانی بر میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق تأثیر غیرمستقیم داشت. این یافته‌ها با نتایج رئوف و همکاران (۲۰۲۳)، خزائی و بابایی (۲۰۲۲)، اسماعیل نژاد و مزرعه (۱۴۰۴)، وطن خواه و همکاران (۱۴۰۰)، تنهایی نوغابی و همکاران (۱۴۰۰)، ارشدی و همکاران (۱۴۰۰)، محمود پور و همکاران (۱۳۹۹)، و رضاپورمیرصالح و اسماعیل بیگی (۱۳۹۶) همسو بود. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت هرچند انعطاف‌پذیری شناختی به‌طور مستقیم بر تصمیم به طلاق تأثیرگذار است، اثر اصلی آن از طریق ظرفیت زنان در تحمل پریشانی اعمال می‌شود. زنان دارای انعطاف‌پذیری شناختی بالاتر قادرند موقعیت‌های استرس‌زا و تعارضات زناشویی را با دیدگاه‌های متفاوت تحلیل کنند و تفاسیر انعطاف‌پذیرتری از رفتارهای همسر ارائه دهند. این توانایی شناختی باعث افزایش تحمل پریشانی می‌شود؛ به این معنا که آنان بهتر می‌توانند هیجانات منفی و فشارهای روانی ناشی از

1. Lougheed & Hollenstein
2. Gundoz

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

تعارضات زناشویی را مدیریت کرده و از واکنش‌های تکانشی یا تصمیمات فوری مانند طلاق اجتناب کنند. بنابراین، تحمل پریشانی نقش واسطه‌ای کلیدی در ارتباط بین انعطاف‌پذیری شناختی و میل به طلاق ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که انعطاف‌پذیری شناختی تنها زمانی می‌تواند اثر محافظتی خود را بر میل به طلاق نشان دهد که با ظرفیت کافی در مدیریت فشارهای هیجانی همراه باشد. این یافته با مدل‌های شناختی-هیجانی و پژوهش‌های پیشین همسو است. مطالعات بک (۲۰۱۱) و لینهان (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که انعطاف‌پذیری شناختی به تنهایی می‌تواند درک فرد از موقعیت‌ها را تعدیل کند، اما اثر واقعی آن در کاهش تصمیمات تکانشی و هیجانی در روابط میان‌فردی، زمانی مشاهده می‌شود که فرد توانایی تحمل پریشانی را نیز داشته باشد (گنجیان و همکاران، ۱۴۰۴).

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انعطاف‌پذیری شناختی و تحمل پریشانی نقش‌های مهم و مکملی در پیش‌بینی میل به طلاق در زنان متقاضی طلاق دارند؛ به‌گونه‌ای که انعطاف‌پذیری شناختی علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق افزایش ظرفیت تحمل پریشانی اثر غیرمستقیم بر کاهش گرایش به طلاق اعمال می‌کند. این یافته‌ها بر اهمیت تقویت مهارت‌های شناختی و هیجانی در برنامه‌های مداخله‌ای و آموزشی تأکید دارد و نشان می‌دهد که ارتقای توانایی بازسازی شناختی و مدیریت هیجانات منفی می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر برای کاهش تصمیمات تکانشی و افزایش ثبات روابط زناشویی زنان در معرض طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی به شرح زیر بود: استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و متمرکز بودن نمونه بر زنان متقاضی طلاق شهر اراک تعمیم نتایج به سایر شهرها را با مشکل مواجه می‌سازد. همچنین استفاده از ابزار خودگزارشی برای گردآوری داده‌ها احتمال سوگیری داده‌ها را افزایش می‌دهد. عواملی مانند وضعیت اقتصادی، حمایت اجتماعی، فرهنگ خانواده و ویژگی‌های شخصیتی زوجین می‌توانند بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق اثرگذار باشند که در این پژوهش به طور مستقیم بررسی نشده‌اند. پیشنهاد می شود پژوهشگران آتی از روش نمونه گیری تصادفی استفاده کنند و از روش‌های ارزیابی چندگانه نظیر مصاحبه استفاده گردد تا بتوان نتایج را با اطمینان بیشتری تعمیم داد.همچنین مطالعات آینده می‌توانند به ابعاد مختلف انعطاف روانشناختی و تحمل پریشانی به صورت تفصیلی‌تر پرداخته و اثر هر بعد را به صورت جداگانه بر رضایت زناشویی و گرایش به طلاق بررسی کنند. در بخش پیشنهاد کاربردی نیز پیشهاد می شود آموزش مهارت‌های حل تعارض، مدیریت استرس و انعطاف‌پذیری روانشناختی به زوج‌ها می‌تواند از بروز مشکلات جدی و گرایش به طلاق جلوگیری کند و مراکز مشاوره می‌توانند برنامه‌های آموزشی و درمانی برای افزایش انعطاف روانشناختی و تحمل پریشانی در زنان متقاضی طلاق ارائه دهند تا توانایی مدیریت هیجانات و تعارضات زناشویی تقویت شود.

منابع

احمدی کانی گلزار، و.، کریمی، ک.، مرادی، ا.، و اکبری، م. (۱۴۰۲). الگوی روابط ساختاری سازش یافتگی زنان بعد از رویداد طلاق بر اساس ذهن آگاهی و شفقت به خود با نقش میانجی‌گری تحمل پریشانی: یک مطالعه توصیفی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۲(۱)، ۳۵-۵۲. https://journal.rums.ac.ir/article-1-6824-fa.html

ارشدی، س.، کریمی، ک.، اکبری، م.، و مرادی، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش سازگاری زناشویی بر عدم تحمل پریشانی، دشواری تنظیم هیجان و تعارض زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۸(۵)، ۱۵۱-۱۴۰. https://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1287-fa.html

اسماعیل نژاد، م.، و مزرعه، ا. (۱۴۰۴). نقش میانجی گرایانه نشخوار فکری در تحمل پریشانی هیجانی و انعطاف پذیری شناختی با اضطراب وجودی در نوجوانان ورزشکار. *روانشناسی رشد هیجانی کودک*، ۱(۳)، ۱۱-۱. https://www.journalcedp.com/article_220485.html

پاداش، ز.، یوسفی، ز.، عابدی، م.، و ترکان، ه. (۱۳۹۹). بررسی اثربخشی مشاوره زناشویی به‌روش گاتمن بر میل به طلاق و دلزدگی زناشویی زنان متأهل متمایل به طلاق. *مجله مطالعات ناتوانی*، ۱۰، ۸-۱. https://jdisabilstud.org/article-1-1615-fa.html

تنهائی نوغابی، ف.، ثمری، ع. ا.، و نجات، ح. (۱۴۰۰). پیش بینی گرایش به طلاق براساس عوامل اجتماعی-فرهنگی، انعطاف پذیری شناختی، تنظیم هیجانی و طرح واره های ناسازگار اولیه در زوج های ایرانی ساکن ایران و مقیم کانادا. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۶۴(۵)، ۴۲۱۳-۴۲۲۸. https://mjms.mums.ac.ir/article_20098.html

خوشبخت، ن.، آسایش، م.ح.، رضاپور میرصالح، ی.، و جهانبخشی، ز. (۱۴۰۳). تدوین و اعتباریابی زوج درمانی خردمدار و مقایسه اثربخشی آن با زوج درمانی هیجان‌مدار بر همدلی شناختی-عاطفی در زوجین با تعارضات زناشویی. *پژوهش های نوین روانشناختی*، ۱۹(۷۶)، ۴۸-۶۲. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_18932.html

داودی، ز.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، ف. (۱۳۹۰). رویکرد کوتاه مدت راه‌حل محور برای کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق. *رفاه اجتماعی*، ۱۱(۴۳)، ۱۳۴-۱۲۱. http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-755-fa.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

رضاپورمیرصالح، ی.، و اسماعیل بیگی، م. (۱۳۹۶). رابطه بین انعطاف‌پذیری و تحمل پریشانی با میانجیگری جهت‌گیری منفی به مشکل نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست. *فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۶*(۳)، ۳۱-۲۲. https://socialworkmag.ir/browse.php?a_code=A-10-380-1&slc_lang=fa&sid=1

شاهین نیا، ن.، و راه نجات، ا. ح. (۱۴۰۳). پیش‌بینی تعارض‌های زناشویی از طریق تحمل پریشانی با میانجی‌گری استحکام من در زنان متقاضی طلاق. *پرستار و پزشک در رزم، ۱۲*(۴۵)، ۳۰-۳۹. https://npwjm.ajaums.ac.ir/article-1-1062-fa.html

شمس، ج.، عزیزی، ع.، و میرزایی، ا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه تحمل آشفتگی و تنظیم هیجانی با میزان وابستگی دانشجویان به سیگار. *تحقیقات نظام سلامت حکیم*، ۱۳(۱)، ۱۸-۱۱. http://hakim.tums.ac.ir/article-1-608-fa.html

فیروزجائیان گلوگاه، ع. ا.، صادقی، س.، جان محمدی لرگانی، و.، و لطفی، طاهره. (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران. *مطالعات زن و خانواده، ۶*(۲)، ۱۴۳-۱۱۱. https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_2972_574.html

قربانی، ع.، خسروی، م.، و محمدی، م. (۱۴۰۳). بررسی نقش میانجی متغیر تاب‌آوری خانواده در رابطهٔ سلامت اجتماعی با نگرش به طلاق زوجین. *پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۳*(۱)، ۵۰-۲۳. https://ssoss.ui.ac.ir/article_28446.html

کاکلیان، س.، مشایخ، م.، دوایی، م.، و خسروی بابادی، ع. ا. (۱۴۰۲). نقش تعارضات زناشویی و انتظارات زناشویی در پیش‌بینی رضایت از روابط زناشویی. *نشریه پژوهش توانبخشی در پرستاری، ۱۰*(۲)، ۹۷-۸۹. https://ijrn.ir/article-1-821-fa.html

کهندانی، م.، و ابوالمعالی الحسینی، خ. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه‌ی انعطاف‌پذیری شناختی دنیس، وندروال و جیلون. *روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۸*(۲۹)، ۷۰-۵۳. https://jpmm.marvdasht.iau.ir/article_2556.html

گنجیان، ا.، مردانی، ز.، و ذاکری نصرآبادی، ز. (۱۴۰۴). مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایزیافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۱۵*(۵۸)، ۱۲۴-۱۰۱. https://www.socialpsychology.ir/article_226199.html

محمودپور، ع.، شیری، ط.، فرحبخش، ک.، و ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۹). پیش بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق. *فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۱*(۴۲)، ۱۴۱-۱۲۱. https://qccpc.atu.ac.ir/article_10754.html?lang=fa

محمودزاده مرقی، ع.، میراسکندری، ف.، و فربد، م (۱۴۰۰). نقش مهارت‌های زندگی، حل تعارض و حل مسئله در پیش‌بینی گرایش به طلاق زنان و مردان متأهل. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۴*(۲)، ۲۸۹۵-۲۸۸۵. https://mjms.mums.ac.ir/article_19177.html

وطن‌خواه، ح.، کوچک‌انتظار، ر.، و قنبری‌پناه، ا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس انعطاف‌پذیری شناختی و معنای زندگی با میانجی‌گری تعادل کار-زندگی. *رویش روان شناسی، ۱۰*(۹)، ۱۷۲-۱۶۱. https://frooyesh.ir/article-1-2861-fa.html

Corbo, I., Troisi, G., Marselli, G., & Casagrande, M. (2024). The role of cognitive flexibility on higher level executive functions in mild cognitive impairment and healthy older adults. *BMC psychology*, *12*(1), 317. https://doi.org/10.1186/s40359-024-01807-5

Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (2010). The Cognitive Flexibility Inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy and Research*, *34*(3), 241-253. https://doi.org/10.1007/s10608-009-9276-4

Dong, S., Dong, Q., & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict, and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*, *299*, 682-690. https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.12.079

Garner, R. C., & Kleiman, E. M. (2025). Distress Tolerance as a Moderator of Affective Forecasting Effects. *Affective science*, *6*(2), 280-284. https://doi.org/10.1007/s42761-025-00303-2

Gundoz, B. (2013). Emotional intelligence, cognitive flexibility and psychological symptoms in pre -service teachers. *Educational research and reviews*,*8*(13),1048-1056. https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1599992

Işık, C., & Turhan, C. (2025). The relationship between women's cognitive flexibility and perceived partner responsiveness with sexual satisfaction: A cross-sectional study. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, *44*(7), 6128-6138. https://doi.org/10.1007/s12144-025-07574-9

Khazaei, S. and Bababei, M. (2022). The Role of Cognitive Flexibility and Religious Coping Strategies in Predicting Divorce of Women with Betrayal Experiences. *Journal of Family Relations Studies*, *2*(4), 4-12. https://jhrs.uma.ac.ir/article_1407.html

Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling* (3rd ed.). The Guilford Press. https://psycnet.apa.org/record/2010-18801-000

Lass, A, N. S., Veilleux, J. C. b., DeShong, H. L., & Winer, E. S. (2023). What is distress tolerance? Presenting a need for conceptual clarification based on qualitative findings. *Journal of Contextual Behavioral Science*, *29*, 23-32. https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2023.05.003

Lougheed, J. P., & Hollenstein, T. (2016). Socioemotional flexibility in mother-daughter dyads: Riding the emotional rollercoaster across positive and negative contexts. *Emotion*, *16*(5), 620-633. https://doi.org/10.1037/emo0000155

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]

Pellón-Elexpuru, I., Van Dijk, R., Van der Valk, I., Martínez-Pampliega, A., Molleda, A., & Cormenzana, S. (2024). Divorce and physical health: A three-level meta-analysis. *Social science & medicine (1982), 352*, 117005. https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2024.117005

Rauf, U., Fatima, H., & Mushtaq, M. (2023). Distress tolerance, mental health problems and marital satisfaction among married couples. (2023). *Pakistan Journal of Social Research*, *5*(01), 559-567. https://doi.org/10.52567/pjsr.v5i01.1377

Rusbult, C. E., Johnson, D. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements. *Social Psychology Quarterly*, *39*(1), 81-89. https://doi.org/10.2307/2786859

Sandel-Fernandez, D. B., Pearlstein, J. G., Swerdlow, B. A., & Johnson, S. L. (2023). Who disengages from emotion and when? An EMA study of how urgency and distress intolerance relate to daily emotion regulation. *Emotion (Washington, D.C.)*, *23*(4), 1102-1114. https://doi.org/10.1037/emo0001152

Sarikol, E., Erdoğan, R., & Salehian, M. H. (2024). The role of religiosity, social support, and cognitive flexibility in the subjective well-being of divorced athlete women. *Revista de Psicología del Deporte*, *33*(2), 353-365. https://psycnet.apa.org/record/2025-30760-034

Simons, J. S., & Gaher, R. M. (2005). The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and Emotion*, *29*, 83-102. http://dx.doi.org/10.1007/s11031-005-7955-3

Zerach, G., & Gordon-Shalev, T. (2023). Distress tolerance, family cohesion and adaptability, and posttraumatic stress symptoms among combat veterans and their parents. *Family Relations: An Interdisciplinary Journal of Applied Family Studies*, *72*(5), 2886-2907. https://doi.org/10.1111/fare.12861

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-08]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.1.291]